

مقایسه روابط نحوی و نحوه بیان آن در زبان‌های فارسی و روسی

حسین لسانی

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

مریم شفق

مربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ وصول: ۸۴/۶/۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۹/۱

چکیده

گروه کلمه و یا ساخت جمله، تحت تأثیر ارتباط نحوی کلمات با یکدیگرند. کلمات، وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، از لحاظ نحوی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در این تأثیر و رابطه درون نحوی است که می‌توان به سه نوع رابطه همسانی، وابستگی و دو طرفه اشاره کرد. رابطه همسانی آن است، که نقش اعضای تشکیل دهنده جمله یا گروه کلمه، به لحاظ نحوی با یکدیگر برابر باشند. بر خلاف رابطه همسانی، در رابطه وابستگی نقش اعضا از یکدیگر متمایز است و حداقل یک عضو هسته و عضو یا اعضای دیگر، وابسته واقع می‌شوند. رابطه دو طرفه، بین نهاد و گزاره اتفاق می‌افتد. هر یک از روابط نحوی فوق به کمک ابزار نحوی خاصی بیان می‌شوند، که از آن جمله می‌توان به نقش نمای کسره و حروف اضافه، ترتیب قرارگیری کلمات، آهنگ و نقش نمای «را» در زبان فارسی، حروف اضافه، حروف ربط، ترتیب قرارگیری کلمات، آهنگ و پایانه صرفی در زبان روسی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: نحو، رابطه نحوی، همسانی، وابستگی، رابطه دو طرفه، ابزار نحوی، رابطه مجانب، هدایت دستوری.

مقدمه

در نیمه دوم قرن نوزدهم و شروع قرن بیستم، زبان‌شناسان معرفی مانند: بوسلایف، پاتبنیا، کولیکوفسکی، فارتوناتف، شاخماتف و پشکوفسکی با مقالات و آثار خود نحو زبان روسی را بنیان‌گذاری کردند. متأسفانه اکثر این زبان‌شناسان، نقطه‌نظرات سایر زبان‌شناسان را مردود می‌دانستند. بسیاری از زبان‌شناسان سال بخصوص وینوگرادف، در بخش نحو زبان روسی بر روی جمله به عنوان یک واحد نحوی زحمات بسیاری کشیدند. وینوگرادف بررسی، تجزیه، تحلیل نحو را از نقطه‌نظر معنا^۱ پایه‌گذاری کرد.

متأسفانه دستورنویسی در زبان فارسی پیشینه زیادی ندارد و دستورهای نوشته شده در زبان فارسی غالباً جامع و کامل نبوده و بسیاری از موضوعات مهم دستوری مورد تجزیه و تحلیل کامل قرار نگرفته‌اند. نگارش دستور زبان فارسی، به صورت مستقل از ادبیات فارسی، از قرن ۱۳ و به تقلید از صرف و نحو عربی آغاز شد. مهم‌ترین این دستور زبان‌ها عبارتند از قواعد صرف و نحو فارسی نوشته عبدالکریم بن ابوالقاسم ایروانی یا تبریزی (۱۲۶۲ قمری) و صرف و نحو فارسی نوشته حاج محمدکریم خان کرمانی (۱۲۷۵ قمری). کمتر دستور زبان فارسی را می‌توان یافت، که به طور تخصصی به مباحث اصلی در دستور زبان (آواشناسی، واژه‌سازی، لغت‌شناسی، صرف و نحو) پرداخته باشد. در نحو کلمه از نقطه‌نظر ارتباط با سایر کلمات و نقشی که در جمله ایفا می‌کند بررسی می‌شود. در تمام زبان‌های دنیا واژه‌ها تحت تأثیر ارتباط نحوی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در نتیجه گروه کلمه و جمله را به وجود می‌آید. در زبان فارسی، به استثناء کتاب‌های دستوری که مؤلفان مطالعه کرده‌اند، مانند نحو زبان روسی، مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار نگرفته است. تنها کتاب دستوری که می‌توان ادعا کرد این بخش دستوری را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داده است، کتاب دستور مفصل امروز دکتر خسرو فرشید ورد است.

پس از این مقدمه، به بحث و بررسی روابط نحو زبان روسی و نحوه بیان آن و نیز زبان فارسی می‌پردازیم.

بحث و بررسی

نحو بخشی از دستور را به خود اختصاص می‌دهد، که به بررسی رابطه کلمات در گروه

کلمه یا جمله می‌پردازد. (گیراسیمنکو، ۲۰۰۳، ص ۲۴۱) با توجه به نوع روابط نحوی موجود بین کلمات در گروه کلمه و یا جمله، زبان‌شناسان روابط نحوی را به سه دسته تقسیم می‌کنند: همسانی، وابستگی و رابطه دوطرفه. همسانی و وابستگی هم در سطح جمله، هم در سطح گروه کلمه مشاهده می‌شود. بر خلاف دو نوع اول، رابطه دو طرفه فقط در سطح جمله می‌تواند وجود داشته باشد. اینک در ادامه بحث و بررسی، هر کدام از این سه رابطه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

رابطه همسانی: «مراد از همسانی آن است، که کلمه یا سخنی با کلمه یا سخنی دیگر دارای ارزش دستوری مشترک و یکسان باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲). در رابطه همسانی اعضای گروه و یا جمله به لحاظ نحوی برابرند، به عبارت دیگر اگر یکی از اعضاء نقش فاعلی داشته باشد، دیگری هم همان نقش را خواهد داشت و نمی‌توان با توجه به ارزش دستوری یکی از مؤلفه‌ها برای مؤلفه دیگر سؤال طرح کرد، مانند: «پسر و دختر»، сын и дочь و یا «شب و روز»، ночь и день.

در زبان روسی رابطه همسانی می‌تواند به شکل باز و یا بسته ایجاد شود. شاخص تعیین کننده باز و یا بسته بودن رابطه همسانی، نوع حروف ربط به کار رفته در ساختار نحوی است: رابطه نحوی را، که در آن امکان کنار هم قرار گرفتن تنها دو جزء وجود داشته باشد، رابطه همسانی بسته (сочинительная связь закрытого типа) می‌نامند: белый, а не черный (سفید، نه سیاه). رابطه نحوی، که در آن امکان کنار هم قرار گرفتن تعداد نامحدودی از مؤلفه‌ها (بیش از دو مؤلفه) وجود داشته باشد، رابطه همسانی باز (сочинительная связь открытого типа) نام دارد، مثال: тетрадь и карандаш и ручка... (دفتر و مداد و خودکار...).

همسانی در زبان فارسی بر ۴ نوع است: همپایگی، بدل، تأکید و تفسیر. همپایگی، نوعی رابطه همسانی است، که به کمک حروف ربط، همپایگی بین گروه کلمات و جمله‌ها ایجاد می‌شود. ساختارهای نحوی را می‌توان به کمک حروف ربط «و»، «ولی»، «اما»، «یا»، «نه... نه...» و «نه تنها...، بلکه...» همپایه کرد. برخی از این حروف ربط، تنها دو جزء نحوی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند (همان رابطه همسانی بسته)، برای مثال: «زیاد، اما بی‌کیفیت» (много, но некачественно); «سفید، نه سیاه» (белый, а не черный);

«در را باز کرد، اما نرفت» (Он открыл дверь, но не ушел). و برخی دیگر امکان ادامه ساختار نحوی را به بیش از دو جزء می‌دهند (رابطه همسانی باز): «دفتر و مداد و خودکار» (тетрадь и карандаш и ручка).

معادل رابطه همپایگی زبان فارسی، که زیر مجموعه رابطه همسانی است، در زبان روسی اعضای همپایه جمله (однородные члены предложения) است.

بدل، نوعی رابطه همسانی است که در آن دو کلمه، با نقش دستوری برابر، با کمی درنگ در کنار هم قرار بگیرند و یکی بدل و دیگری بدل‌دار نامیده می‌شود. در این رابطه همسانی، حذف بدل نباید خللی در ساختار جمله ایجاد کند، مانند: دوستم، علی از شیراز آمد (Мой друг – Али приехал из Шираза). در جمله یاد شده «دوستم» بدل‌دار و «علی» بدل است. معادل بدل در زبان روسی приложение است. در زبان روسی بین بدل و بدل‌دار تیره گذارده می‌شود.

تأکید، نوعی از رابطه همسانی است، همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید، یک کلمه برای تأکید بر کلمه دیگر به کار می‌رود: او خودش رفت. در زبان روسی این ترکیب عموماً به کمک ضمیر تعیین کننده (определятельное местоимение) сам بیان می‌شود: Он сам уехал.

تفسیر، نوعی همسانی است که در آن معنای یک کلمه به کمک کلمه دیگر بیان شود. عموماً این نوع رابطه به کمک کلمه «یعنی» و یا مترادف‌های آن ایجاد می‌شود: «لحظه» یعنی «آن»، момент значит мгновение. در زبان روسی واژه‌ای که کلمه دیگر را توضیح می‌دهد، گزاره جمله محسوب می‌شود و با واژه «یعنی» (значит) از لحاظ نحوی در ارتباط می‌باشد.

رابطه وابستگی: مهم‌ترین ویژگی رابطه وابستگی، تشخیص دو مؤلفه هسته (главный компонент) و وابسته (зависимый компонент) در ساختار گروه کلمه و یا جمله است. «وابسته، کلمه، جمله‌واره و یا گروهی است، که معنی کلمه، جمله‌واره و یا گروه دیگری را، که هسته نامیده می‌شود، کامل کند، یا مطلبی به معنی هسته بیفزاید بی‌آنکه با آن همپایه و همسان باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). وابستگی دو مؤلفه هسته و وابسته امکان طرح

سؤال از هسته به مؤلفه را ممکن می‌سازد:

خواندن کتاب (خواندن چه چیزی؟) **Чтение книги(чтение чего?)**
در جمله یاد شده هم در زبان روسی و هم در زبان فارسی «خواندن» (чтение) هسته و «کتاب» (книга) وابسته است.

در زبان روسی، وابستگی دارای سه شکل اصلی مطابقت دستوری (согласование)، هدایت دستوری (управление) و ترکیب مجانب (примыкание) است:

مطابقت دستوری: مطابقت دستوری شکلی از حالت وابستگی نحوی است، که در آن هسته شکل و حالت دستوری وابسته را تعیین می‌کند. گیراسیمنکو این نوع رابطه را در زبان روسی به شکل زیر تعریف می‌کند: «مطابقت دستوری یکی از انواع رابطه وابستگی است، که در آن وابسته با هسته در جنس، عدد و حالت صرفی مطابقت دارد» (گیراسیمنکو، ۲۰۰۳، ص ۲۴۷). در زبان روسی وابسته می‌تواند صفت: **круглый стол** (میزگرد)، ضمیر: **Ваша честь** (افتخار شما)، عدد ترتیبی: **четвертый ряд** (ردیف چهارم) و یا صفت فعلی: **организующие члены** (اعضای سازمان دهنده) باشد. در مثال‌های فوق کلمات وابسته (**круглый, ваша, четвертый, организующий**) به لحاظ جنس و شمار و حالت صرفی از هسته خود تبعیت کرده‌اند.

در زبان فارسی اعضای گروه کلمات یاد شده با نقش نمای کسره از لحاظ نحوی با یکدیگر در ارتباط‌اند و برعکس زبان روسی، هیچ‌گونه هماهنگی از لحاظ جنس و شمار بین آن‌ها وجود ندارد. مطابقت وابسته با هسته از لحاظ شمار در زبان فارسی صورت نمی‌گیرد، برای مثال صفات در زبان فارسی جمع بسته نمی‌شوند. بدون توجه به آن که موصوف در شمار مفرد و یا جمع قرار گرفته باشد، صفت تنها در شکل مفرد به کار می‌رود: **گل صحرايي** (полевой цветок)، **گل‌های صحرايي** (полевые цветки). در مثال‌های یاد شده صفت صحرايي، برعکس زبان روسی، در هر دو مثال، در شمار مفرد به کار رفته است. در زبان فارسی در صورتی که صفتی علامت جمع بگیرد، شکل دستوری آن از صفت به اسم تغییر می‌کند. در زبان فارسی برخی از واژه‌ها می‌توانند به صورت اسم و صفت به کار روند. اینگونه کلمات، وقتی به عنوان صفت به کار می‌روند، همیشه مفرد و وقتی به عنوان اسم به کار می‌روند، می‌توانند به صورت جمع هم به کار روند، مثال: **مرد دانشمند آمد؛ دانشمندان بزرگ آمدند.**

روبینچیک از رابطه بین نهاد و گزاره در زبان فارسی با عنوان مطابقت دستوری یاد می‌کند (روبینچیک، ۲۰۰۱، ص ۳۵۴). از نظر نگارندگان، رابطه بین نهاد و گزاره، رابطه‌ای دو طرفه است، نه یک طرفه، چرا که این تنها نهاد نیست که با گزاره در مفاهیم دستوری عدد و شخص مطابقت می‌کند، بلکه گزاره نیز با نهاد در مفاهیم فوق هماهنگ است: «او از شهر رفت» و یا «کتاب‌ها روی میز قرار دارند». بنابراین رابطه بین نهاد و گزاره را نمی‌توان مطابقت دستوری محسوب کرد، چرا که مطابقت دستوری خود یکی از انواع وابستگی و به عبارت دیگر، یکی از انواع رابطه یک طرفه است و ما در رابطه بین نهاد و گزاره شاهد یک رابطه دو طرفه‌ایم. به عبارت دیگر در رابطه یک طرفه فقط از سوی هسته می‌توان برای وابسته سؤال طرح کرد، اما در رابطه دو طرفه می‌توان هم از سوی نهاد و هم از سوی گزاره سؤال طرح کرد.

در زبان فارسی و روسی، ترتیب قرارگیری اعضا در روابط نحوی در گروه کلمه بسیار مهم است. در برخی از ساختارها تغییر جایگاه هسته و وابسته باعث تغییر مفهوم و یا نقص موارد دستوری می‌گردد. مثال: زن برادر (жена брата)؛ برادر زن (брат жены).

هدایت دستوری: کاساتکین در کتاب *دستور زبان روسی* می‌نویسد، در زبان روسی اسامی (اسم، صفت، عدد و ضمائر) تحت تأثیر نحوی هسته خود در حالت‌های مشخصی قرار می‌گیرند، که به آن هدایت دستوری گویند (کاساتکین، ۲۰۰۱، ص ۶۴۱). برای مثال: Он любит отца (او پدر را دوست دارد). پسکوف در کتاب *دستور معاصر زبان فارسی* اصطلاح «هدایت دستوری» را استفاده نمی‌کند. به عقیده وی هدایت دستوری تنها درباره آن دسته از زبان‌های صرفی، که دارای حالات صرفی و نشانه‌های ظاهری برای بیان روابط نحویند، مجاز است (روبینچیک، ۲۰۰۱، ص ۳۴۹). ضمناً روبینچیک معتقد است، نباید نقش هدایت دستوری را در برقراری روابط نحوی در زبان فارسی فراموش کرد. تنها تفاوتی، که بین هدایت دستوری در زبان روسی و فارسی وجود دارد، ابزار بیان آن است، که در زبان روسی این ابزار عبارتند از پایانه صرفی، حروف اضافه، ترتیب قرارگیری اعضای جمله، مثال: بازدید از کارخانه، посещение завода؛ گردش در پارک، прогулка в парке. همانطوری که می‌بینیم، در مثال زبان فارسی، ابزار بیان هدایت صرفی حروف اضافه «از» و «در» و در زبان روسی، پایانه صرفی -a در کلمه завод و حرف اضافه в و پایانه صرفی -e در واژه парк اند. روبینچیک در زبان فارسی از حروف اضافه و نقش نمای «را» به عنوان ابزار بیان هدایت

دستوری در زبان فارسی نام می‌برد (همان، ص ۳۵۰). نویسندگان این مقاله، در تأیید نظر روبینچیک بر این اعتقادند که هسته گروه کلمه یا جمله می‌تواند کلمات وابسته خود را تحت تأثیر نحوی قرار داده و باعث به وجود آمدن مفعول و متمم گردد. پیدایش مفعول و متمم و یا سایر وابسته‌ها در گروه کلمه یا جمله را می‌توان در زبان فارسی به نام هدایت دستوری هسته نام‌گذاری کرد. مثال: عشق به میهن (любовь к родине)؛ پدر پسرش را می‌بوسد (отец целует сына). در مثال‌های یاد شده در زبان فارسی، واژه «پسرش را» تحت تأثیر هدایت دستوری هسته جمله «می‌بوسد» در حالت مفعولی و واژه «به میهن» تحت تأثیر هدایت دستوری هسته «عشق» در حالت متممی قرار گرفته‌اند.

با توجه به خاصیت نحوی هسته، وابسته و یا وابسته‌ها می‌توانند از لحاظ نحوی در دو و یا چند حالت مختلف، که دارای معانی مختلفند، قرار بگیرند:

نامه دوست (نامه‌ای که از دوست دریافت شده است).
Письмо от друга

نامه برای دوست (نامه به دوست)
Письмо другу

او برای خواهر کتاب خرید.
Он купил книгу сестре.

او برای خواهر کتاب خرید.
Он купил книгу для сестры.

در زبان روسی، ابزار نحوی پایانه صرفی، که در زبان فارسی (به غیر از مقوله فعل) در هیچ‌یک از اقسام کلام (части речи) مشاهده نمی‌شوند، باعث می‌گردد تا جملات زبان روسی بدون هیچ‌گونه توضیحی مفهوم گردند. در گروه کلمه *письмо от друга* دقیقاً مشخص است، که این نامه از دوست دریافت شده است. در زبان فارسی، گروه کلمه «نامه دوست» می‌تواند دارای دو مفهوم زیر باشد: «نامه‌ای، که از دوست دریافت شده» و یا «نامه‌ای، که متعلق به دوست است».

هسته می‌تواند همزمان چند هدایت دستوری مختلف برای وابسته و یا وابسته‌ها ایجاد کند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Он купил конфеты подруге в магазине.

او برای دوستش از مغازه شکلات خرید.

در جمله یاد شده هسته دارای وابسته‌های «شکلات»، «برای دوستش» و «از مغازه» است.

دکتر خسرو فرشیدورد برای اسم انواع وابسته زیر را تشخیص می‌دهد: موصوفی، مضافی

و شبه مضافی.

وابسته موصوفی (صفت و موصوف) آن است، که بعد از اسم صفت بیاید، مانند: دانشمندان بزرگ (великие ученые). در مثال یاد شده، نقش نمای کسره زبان فارسی در وابسته موصوفی، نقش پایانه صرفی زبان روسی را ایفا می‌کند. غالباً از کسره صفت و موصوف به اشتباه به عنوان کسره اضافه نام می‌برند، باید بین این حالت و حالت اضافه، که در آن دو اسم به هم اضافه می‌شوند، تفاوت قائل شد.

در زبان فارسی یکی از ابزارهای دستوری مهم و متداول برای بیان معانی روابط مختلف نحوی، کسره صفت و موصوف و کسره اضافه (مضاف و مضاف‌الیه) است.

وابسته مضافی (مضاف و مضاف‌الیه) آن است، که بعد از اسم، اسم دیگری قرار بگیرد، مانند: کتابخانه های شهر (городские библиотеки)؛ داروی دندان درد (лекарство от зубной боли). معمولاً معادل وابسته اضافی، حالت‌های صرفی مختلف زبان روسی و گاهی صفت و موصوف می‌باشد، مثال: книга сестры؛ کتاب خواهرم. خیابان‌های شهر (городские улицы). در مثال یاد شده، کسره اضافه، دو واژه «کتاب» و «خواهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط داده است. معادل آن در زبان روسی پایانه صرفی -ы در واژه сестры است و کسره اضافه، دو کلمه «خیابان‌ها» و «شهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط داده و معادل آن در زبان روسی همان مطابقت دستوری، یعنی هم آهنگی پایانه صرفی دو واژه از لحاظ شمار، جنس و حالت صرفی است.

شبه مضاف آن است، که بعد از اسم، اسم دیگری قرار گیرد و رابطه بین این دو اسم به کمک حرف اضافه برقرار شود، مانند: فرار از زندان (побег из тюрьмы)؛ امید به زندگی (надежда на жизнь)؛ تأثیر بر محیط اطراف (влияние на окружающую среду). حالت شبه اضافه در زبان روسی همان هدایت صرفی است، که به کمک پایانه صرفی تحت تأثیر خاصیت نحوی هسته بیان می‌شود. معادل شبه مضاف در زبان فارسی، متمم است.

ترکیب مجانب: ترکیب مجانب در زبان روسی شکلی از حالت وابستگی نحوی است. در این وابستگی، کلمه غیر قابل تغییر (несклоняемое слово)، وابسته هسته است. والگینا در این نوع رابطه نحوی در میان وابسته‌ها، به قید، قید فعلی و شکل مصدری فعل در زبان روسی

اشاره می‌کند (والگینا، ۲۰۰۳، ص ۵۴)، برای مثال:

выучить наизусть , лежа в кровати ,пойду погулять.

پروفیسور احمد شفاهی نیز در کتاب *مبانی علمی دستور زبان فارسی* اظهار می‌دارد: «...در ترکیب‌های مجانب، رابطه نحوی موجود بین اجزاء ترکیب فقط «مجانبت» است» (شفاهی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۰). باید توجه داشت ترکیب مجانب در زبان فارسی با زبان روسی متفاوت است. آنچه اساس این تفاوت را مشخص می‌کند، همان عدم تغییرپذیری انتهای کلمات در زبان فارسی و کاربرد گسترده این ترکیب در مقایسه با زبان روسی است. تعداد کلمات غیر قابل تصریف، در زبان روسی محدود و در زبان فارسی نامحدود است. در صورتی که واژه‌ای به واژه دیگری بدون کسره، حرف اضافه و یا نقش نمای «را» ارتباط پیدا کند، رابطه مجانب پدید می‌آید. به برخی از موارد کاربرد ترکیب مجانب در زبان فارسی توجه کنید:

۱- در ترکیب اعداد اصلی با اسم، از ترکیب مجانب استفاده می‌شود: سه روز (три дня)؛

۲- ترکیب کلمات غیر معین چون «بعضی»، «برخی» (некоторый)، «کمی»، «اندکی» (немного) و امثال آن با اسامی: بعضی افراد (некоторые люди)، کمی (اندکی) حوصله (немного терпения)؛

۳- ترکیب صفت عالی با اسامی: سردترین روز سال (самый холодный день-ø)؛ (года)

۴- ترکیب اسم به کمک ضمائر تعیین کننده (определительные местоимения) «هر» (каждый) و «همه» (всякий) با اسامی ایجاد می‌شود: هر سال (каждый год-ø)، هر ملتی (всякий народ-ø)؛

همانطوری که از مقایسه مثال‌های یاد شده بر می‌آید، در زبان فارسی واژه‌ها بدون هیچ گونه نشانه ظاهری به یکدیگر از لحاظ نحوی متصل شده‌اند، در صورتی که در زبان روسی معمولاً پایانه صرفی، بیان کننده ارتباط نحوی میان کلمات است.

۵- ترکیب مجانب در مورد افعال معین «باید»، «بایستی»، «بایست» کاربرد بسیار دارد (شریعت، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸). این افعال بدون تغییر در شکل دستوری با فعل بعدی، که به صورت مصدر به کار می‌رود، ارتباط نحوی برقرار می‌کنند: باید رفت (надо пойти). در

مثال یاد شده، کلمات در زبان روسی و فارسی با ارتباط نحوی مجانب (примыкание) به یکدیگر وصل شده‌اند.

رابطه دو طرفه: آخرین نوع رابطه نحوی، رابطه دو طرفه است، که بین فاعل و فعل برقرار می‌شود. این رابطه دو طرفه نامیده می‌شود، زیرا هم از سوی فاعل و هم از سوی فعل می‌توان سؤال را مطرح کرد، مثال: Мы будем гулять و Мы гуляем.

در زبان فارسی نیز چنین رابطه مشابه دو طرفه بین فعل و فاعل وجود دارد، مثال: «/ او می‌نویسد». چه کسی می‌نویسد؟ / او چه کار می‌کند؟ باید توجه داشت، که رابطه دو طرفه در زبان فارسی فقط بین فعل و فاعل وجود دارد. رابطه بین مسند و مسندالیه زبان فارسی، در زبان روسی رابطه مطابقت دستوری نام دارد، مثال: هوا خوب است. *Погода хорошая.*

ابزار بیان رابطه نحوی: در زبان فارسی و روسی گروه کلمه به وسیله ابزار نحوی و خاصیت لغوی واژه‌ها با یکدیگر در ارتباط‌اند. ابزار نحوی زبان فارسی همان حروف اضافه، نقش نمای «را»، جایگاه کلمات و نقش نمای کسره‌اند. در زبان روسی، رابطه نحوی به کمک پایانه صرفی، حروف اضافه و جایگاه کلمات برقرار می‌شود. خاصیت لغوی واژه عبارتست از خاصیتی، که اجازه می‌دهد دو واژه از لحاظ ترکیب‌پذیری لغوی در کنار یکدیگر قرار گیرند، مثلاً «کتاب خوب»، اسم «کتاب» و صفت «خوب» می‌توانند در کنار هم قرار گیرند، ولی واژه «آتشین» نمی‌تواند در معنی اصلی خود در کنار واژه «کتاب» قرار گیرد.

در زبان فارسی و روسی در بیان روابط نحوی از ابزارهای مختلفی به شرح زیر استفاده می‌شود:

پایانه صرفی: در زبان روسی پایانه صرفی از اهمیت خاصی در برقراری ارتباطات نحوی برخوردار است. نقش وابستگی کلمات قابل صرف نسبت به هسته در ارتباطات نحوی به کمک پایانه صرفی بیان می‌شود. پایانه صرفی یکی از انواع تک‌واژه‌است، که برخلاف دیگر انواع آن از قابلیت تغییرپذیری، با توجه به نقش واژه در جمله، برخوردار است. دیبروا پایانه صرفی در زبان روسی را اینگونه تعریف می‌کند: «پایانه (از کلمه لاتین *flexio*) بخش تغییرپذیر کلمه است، که مفاهیم دستوری را بیان می‌کند و روابط نحوی کلمات را نسبت به یکدیگر در جمله مشخص می‌کند (دیبروا، ۲۰۰۱، ص ۴۶۰).

در زبان فارسی باستان، پایانه صرفی حالت‌های صرفی را می‌ساخته است. زبان‌شناسان در

زبان فارسی باستان به ۸ حالت صرفی مختلف اشاره می‌کنند، که به کمک آن‌ها رابطه نحوی کلمه در جمله برقرار می‌شده است (خانلری، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷). در زبان فارسی معاصر، تنها مقوله دستوری فعل دارای پایانه صرفی (شناسه) است و اسامی، ویژگی صرفی خود را از دست داده‌اند. دکتر خسرو فرشیدورد از پایانه صرفی افعال، به عنوان «ضمیرهای فاعلی» نام می‌برد و به کارگیری واژه «شناسه» را نادرست می‌داند (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

نقش نمای «را»: نقش نمای «را» در زبان فارسی از نقش مهمی در برقراری رابطه نحوی برخوردار است. محل قرارگیری آن معمولاً بدون فاصله، پس از مفعول مستقیم است و بدین ترتیب به آسانی می‌توان فاعل و مفعول را از هم تشخیص داد. معادل این مقوله دستوری در زبان روسی معمولاً همان پایانه صرفی حالت مفعول مستقیم (В.п.) است:

نیروز دوستم را ملاقات کردم. Вчера я встретил своего друга.

همان‌گونه که گفته شد، نقش نمای «را» تشخیص فاعل و مفعول را در زبان فارسی آسان ساخته است، در صورتی که در مثال‌های زیر در زبان روسی پایانه صرفی تهی мать-ø و дочь-ø در حالت مفعول بی‌واسطه (В.п.) نتوانسته است تفاوت ظاهری در تشخیص فاعل و مفعول ایجاد کند. در این مثال‌ها تشخیص فاعل و مفعول، تنها می‌تواند به کمک ترتیب قرارگیری کلمات (порядок слов) ایجاد شود:

Дочь любит мать. دختر مادر را دوست دارد.

فاعل مفعول

Мать любит дочь. مادر دختر را دوست دارد.

فاعل مفعول

حرف اضافه: یکی دیگر از ابزارهای دستوری بیان‌کننده ارتباط نحوی بین کلمات، حروف اضافه‌اند. علی سلطانی در کتاب **نگارش و دستور زبان فارسی** می‌نویسد: «حروف اضافه کلماتی‌اند، که همواره با کلمه‌ای همراهند و به تنهایی معنی دقیقی ندارند» (سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۷).

معمولاً هم در زبان فارسی و هم در زبان روسی، حروف اضافه یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بیان رابطه نحوی به حساب می‌آیند. نکته قابل توجه در اینجا آن است، که در بسیاری موارد، نقش پایانه صرفی زبان روسی، در زبان فارسی به کمک حروف اضافه بیان می‌شود. به

مثال‌های زیر توجه کنید:

Он старше сестры на 2 года. (P.п.) *و از خواهرش دو سال بزرگتر است.*

همان‌گونه، که می‌بینیم، برای بیان صفات تفضیلی در زبان فارسی از حرف اضافه «از» و در مثال روسی از پایانه صرفی حالت اضافی (P.п.) استفاده شده است؛

در زبان روسی معادل بسیاری از پایانه‌های صرفی حالت‌های مختلف، حرف اضافهٔ زبان فارسی است، مثال:

Он подарил сестре книгу. *و به خواهرش یک کتاب هدیه کرد.*

در مثال زبان فارسی فعل «هدیه کردن» با کمک حرف اضافهٔ «به» خاصیت نحوی خود را بر کلمهٔ «خواهرش» دیکته کرده است و در زبان روسی، این حالت نحوی با تغییر پایانهٔ صرفی، و نه حروف اضافه، ایجاد شده است.

حرف ربط: فاکتور و عامل دیگر در ایجاد رابطهٔ نحوی، حروف ربطاند، که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: حروف ربط همپایگی، مانند: ... но и ..., ... не только ..., и ..., и ... در زبان روسی و «نه تنها... بلکه...» و «یا... هم... هم...» در زبان فارسی و حروف ربط وابستگی بیان زمان، علت و نتیجه، مانند: ... когда, так как, так что در زبان روسی و «وقتی که»، «از آنجا که»، «بنابراین» در زبان فارسی.

جایگاه قرارگیری کلمات: ترتیب قرارگیری کلمات، چه در زبان فارسی و چه در زبان روسی، ارتباط نحوی بین کلمات را بر عهده دارد. بر این اساس، کلمات بر پایهٔ برقراری رابطهٔ نحوی مشخص، با ترتیب مشخصی در کنار هم می‌نشینند. گاهی کلمهٔ وابسته قبل از هسته می‌آید، مانند ترکیب اسم و صفت در زبان روسی: хорошая погода و گاهی کلمهٔ وابسته بعد از هسته می‌آید، مانند اسم و صفت در زبان فارسی: هوای خوب. به مثال زیر در زبان روسی توجه کنید: 7 лет و 7 лет: در این دو عبارت ترتیب قرارگیری کلمات، که باعث ارتباط نحوی شده است، معنای تکمیلی در عبارات فوق ایجاد می‌کند، که در مثال اول به معنای دقیق ۷ سال و در مثال دوم به معنای حدود ۷ سال اشاره دارد.

نقش نمای کسره: یکی از مهم‌ترین ابزار بیان روابط نحوی در زبان فارسی نقش نمای کسره است، که معادل آن در زبان روسی می‌تواند حرف اضافه، پایانه صرفی و غیره باشد، مثال: بطری شیر (бутылка из-под молока)، کتاب جالب (интересная книга).

- ۴- شفاهی، احمد، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران، مؤسسه انتشارات نوین، ۱۳۶۳.
- ۵- فرشیدورد، خسرو، *دستور مفصل امروز*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- ۶- ناتل خانلری، پرویز، *تاریخ زبان فارسی*، جلد ۱، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۷۴.
- 7- Валгина, Н.С. *Современный русский язык, Синтаксис*.- М.: изд-во Высшая школа, 2003.
- 8- Диброва, Е.И. *Современный русский язык*.- М.: издательский центр "Академия, 2001.
- 9- *Русский язык*, Под редакцией Герасименко Н.А.- М.: изд-во Асадема, 2003.
- 10- *Русский язык*, Под редакцией Касаткина Л.Л. -М.: Асадема. 2001.

